



واقعیت تشدید فشارهای اروپا علیه رژیم اسرائیل

اروپا هیچ اقدامی در جهت افزایش فشار سیاسی، اقتصادی و امنیتی به رژیم اسرائیل با هدف مقابله با نسل‌کشی این رژیم در غزه انجام نداده و بعید است که در آینده هم، در این خصوص اقدامی انجام دهد، اگر چه در همین اندازه هم حمایت‌ها در اروپا از فلسطین و مخالفت با جنایات و نسل‌کشی رژیم اسرائیل در غزه بی‌سابقه است. اروپا، فشارهای سیاسی و تبلیغاتی خود علیه جنایات رژیم اسرائیل در غزه را در سطح افکار عمومی متمرکز کرده است، چرا که مردم در این کشورها با تظاهرات، تحریم کالاهای صهیونیستی و پیگیری‌های قضایی تلاش دارند دولت‌هایشان را تحت فشار قرار دهند تا اقدامات عملی در برابر تجاوزات رژیم اسرائیل در غزه انجام دهند. در حالی که بعضی از دولت‌های اروپایی تلاش دارند موضع سیاسی‌شان به گونه‌ای باشد که مردم و فضای داخلی و سیاسی خود را راضی کنند، اما این اقدامات به یک فشار واقعی علیه رژیم صهیونیستی تبدیل نمی‌شود. مواضع فرانسه، انگلیس و آلمان به گونه‌ای است که ظاهراً از یک طرف نسل‌کشی رژیم اسرائیل در غزه را محکوم می‌کنند و از طرف دیگر سعی دارند همراهی خود را با مردم و افکار عمومی‌شان نشان دهند، اما هم‌زمان به رژیم اسرائیل سلاح می‌فروشند و در برابر اقدامات و حملات این رژیم به غزه و دیگر کشورها، سکوت و بعضاً حمایت می‌کنند. با وجود اینکه دولت آلمان گفته است دیگر به رژیم اسرائیل سلاح نمی‌فروشد، اما همچنان آلمان علاوه بر انگلیس در حال فروش سلاح به این رژیم هستند. هم‌چنین روابط سیاسی‌شان با رژیم اسرائیل نیز، کاهش نیافته است؛ به نحوی که نه سفیر رژیم اسرائیل را احضار می‌کنند، نه مبادلات اقتصادی‌شان تغییر کرده است و اینها نشان می‌دهد که اغلب دولت‌های اروپایی به جز اسپانیا صرفاً در سطح اعلامی با اقدامات رژیم صهیونیستی مخالفت می‌کنند که آن هم بیشتر جنبه سیاسی و برای حفظ افکار عمومی داخلی‌شان است. در این میان تنها اسپانیا سطح تبادلات اقتصادی‌اش با رژیم صهیونیستی را کاهش داد و تا حد زیادی مواضع سرسختانه‌ای علیه این رژیم، اتخاذ کرد. از جمله اینکه در مجمع عمومی سازمان ملل به نفع راه حل دودولتی رای داد، در حالی که بسیاری از کشورهای اروپایی در رای‌گیری مجمع عمومی سازمان ملل جزو کسانی بودند که به این پیشنهاد رای منتنع دادند. بنابراین باید گفت که اروپا در رابطه با مساله فلسطین یکپارچه عمل نمی‌کند و اتحادیه اروپا نیز هم چنان به موضع سابق خود یعنی همکاری و تعامل با رژیم اسرائیل ادامه می‌دهد. به هر حال نظام‌های سیاسی در غرب لیبرال هستند و به رای مردم نیاز دارند، از این رو ناچارند در حد ضرورت به موضع و خواست مردم خود احترام بگذارند. اخیراً در آلمان تظاهراتی علیه جنایات رژیم صهیونیستی در غزه شکل گرفت که از سوی یک حزب سیاسی در این کشور برنامه‌ریزی شده بود و برای برگزاری آن مجوز گرفته بود. در آلمان در دو سال اخیر تظاهرات علیه جنایات رژیم اسرائیل زیاد بوده است، اما تظاهرات اخیر که با هماهنگی یک حزب سیاسی انجام شد، دارای اهمیت است. ورود احزاب به موضع‌گیری علیه رژیم اسرائیل نکته مهمی است و می‌تواند اعتراضات مردمی در این کشور و دیگر کشورهای اروپایی را اثرگذارتر کند. فشار به رژیم اسرائیل در این سطح در گذشته به‌ویژه از سوی کشورهای اروپایی بی‌سابقه بوده است. در هیچ زمانی، این گونه نبوده است. از زمان اعلام موجودیت رژیم غاصب اسرائیل چنین رفتار و موضع‌گیری از سوی کشورهای اروپایی سابقه نداشته است. پیش‌تر جوامع غربی تحت تأثیر رسانه‌های صهیونیستی قرار داشتند، اما الان به دلیل حضور رسانه‌های جدید و شبکه ارتباطات بی‌واسطه که مردم دنیا در جریان تحولات قرار می‌گیرند، اعتراضات گسترده‌ای شکل گرفته است که قبلاً شاهد آن نبوده‌ایم. اهمیت حمله به قطر از سوی رژیم اسرائیل به این خاطر است که تلاش اروپا برای همراهی و نزدیکی قطر و رژیم اسرائیل بی‌نتیجه ماند. اروپایی‌ها تا حدی این حمله را محکوم کردند، اما بر خلاف اروپا، آمریکا نشان داد هم‌پیمانی در منطقه جز رژیم اسرائیل ندارد و بقیه کشورها به ظاهر فرمانبردار آمریکا هستند، و این کشور خیلی نگران هم‌پیمانان عربی خود در منطقه نیست. اینکه آمریکا اجازه می‌دهد رژیم اسرائیل به قطر حمله کند به نوعی نفی هم‌پیمانی کشورهای عرب خلیج فارس از سوی آمریکا است و این رویکرد حتماً در آینده در روابط این کشورها با غرب و آمریکا تأثیر خواهد داشت.

عکس: Gettyimages

روایت دیپلمات



بررسی تحولات این روزهای برزیل «از مواجهه لولا با اپوزیسیون راست‌گرا تا فشار تعرفه‌ای ترامپ»

در گفت‌وگوی هم‌میهن با حسین قریبی سفیر پیشین ایران در برزیل

مذاکره و مقاومت در برابر تعرفه‌ها

بریکس، سال قبل از آن در مجموعه کشورهای عضو گروه ۲۰ و در ماه نوامبر آینده کنفرانس تغییرات آب و هوایی، ظرفیت‌های برزیل در این عرصه را پررنگ‌تر کرده است. هر چهار سطح در تعامل با هم قرار دارند و در نتیجه این کنش‌ها، برزیل بیش از قبل در مرکز توجهات قرار گرفته است. در این میان البته روابط با آمریکای ترامپ بیش از بقیه خبرساز بوده است.

وضع تعرفه ۵۰ درصدی بر برزیل مایه شگفتی شد. سوال اینجاست که چرا برزیل؟

شگفتی واژه مناسبی است. معمولاً دونالد ترامپ خیلی از عدم توازن تجاری آمریکا با برخی از کشورهای انتقاد می‌کرد. آمریکا دومین شریک تجارت خارجی با برزیل و با حدود هشتاد میلیارد دلار تعامل تجاری است که این رقم برای دو طرف مساوی هر کدام چهل میلیارد دلار است. شرکت‌های آمریکایی در بخش‌های مختلف برزیل شامل خدمات، صنعت و کشاورزی فعالیت‌های گسترده‌ای دارند و وضع محدودیت‌ها، در ابتدا چندان معقول به نظر نمی‌رسید. موضوع بولسونارو همان گونه که در مکانیبه دونالد ترامپ آمده بود، به اضافه روابط گسترده برزیل با چین و در وهله بعد با روسیه، کنش گری و اگر ایانه گروه بریکس از نظم اقتصادی غالب و شاید مواضع مستقل دولت فدرال در ارتباط با موضوع غزه را می‌توان به‌عنوان دلایل اصلی رویکرد تنبیهی ترامپ دانست.

موضوع فرعی برخورد برزیل با غول‌های دیجیتال آمریکا مانند شبکه ایکس هم مطرح بود. به نظر می‌رسد ترامپ در پی بازگرداندن برزیل و کل حوزه آمریکای جنوبی به سنت حفظ منافع ویژه آمریکا در سراسر این قاره است که قبلاً به عنوان دکترین مونروته شناخته می‌شد. این مسئله را باید در مجموعه رویکردهای تهاجمی ترامپ دید.

این دخالت آشکار آمریکا در سیاست داخلی برزیل چه واکنش‌هایی را برانگیخته است؟

از دهم ژوئیه که خبر وضع تعرفه‌ها و درخواست ترامپ برای متوقف کردن روند محاکمه بولسونارو اعلام شد، از یک سو جریان‌های چپ و بخشی از میانه‌روها نسبت به این رفتار آمریکا موضع مقابله‌جویانه گرفتند و مفاهیم حاکمیت ملی و استقلال در شبکه‌های اجتماعی ترند شدند. از سوی دیگر جریان‌های راست‌گرا و بولسوناریست‌ها با سازماندهی تجمع‌های بزرگ در شهرهای بزرگ از جمله به‌صورت شاخص در سان‌پائولو و ریودوژانیرو، همچنین تحصن برخی نمایندگان کنگره در صحن پارلمان و مصاحبه‌ها با ادبیات چپ‌ستیزی و برچسب کار سیاسی از سوی قوه قضائیه واکنش‌های تند و نشان دادند.

یاد کردند. این بحران داخلی به روابط خارجی برزیل نیز کشیده شد. دونالد ترامپ، متحد نزدیک بولسونارو، محاکمه او را ننگ بین‌المللی خواند و از ژوئیه ۲۰۲۵، تعرفه‌های ۵۰ درصدی بر واردات برزیلی (مانند قهوه، گوشت و فولاد) وضع کرد. ترامپ در نامه‌ای به لولا، اتهامات وارده به رئیس‌جمهور سابق را سیاسی خواند و حتی یکی از قضات دادگاه او را تحریم کرد. جنگ تعرفه‌ای ترامپ علیه برزیل که بسیاری انگیزه آن را نه تجاری بلکه سیاسی می‌دانند از ابتدای ماه آگوست جنبه اجرایی به خود گرفته اما برزیل تسلیم خواسته‌های ترامپ که آن را مصداق دخالت در حاکمیت کشور دیگری خوانده، نشده است. برزیل نیز در پاسخ به اقدام تعرفه‌ای ترامپ دست به واکنش مشابه زده و تعرفه‌های مقابل بر کالاهای آمریکایی (مانند سویا و ذرت) وضع کرد. در شرایطی که صادرات برزیل به آمریکا ۳۱ درصد افت کرد اما صادرات به چین شاهد رشد ۴ درصدی بود. همزمان تحركات برزیل در بریکس نیز جنبه جدی‌تری به خود گرفته است. این روزها واقعاً در برزیل چه می‌گذرد؟ مردم نسبت به محاکمه ژائیر بولسونارو چه نظری دارند؟ واکنش این کشور به جنگ تعرفه‌ای که رئیس‌جمهور آمریکا راه انداخته چیست؟ مذاکره میان برزیل و آمریکا برای لغو این تعرفه‌ها به چه شکل پیش رفته و ادامه دارد؟ مسیری که برزیل در تقویت بریکس در پیش گرفته چه مختصاتی دارد؟ این پرسش‌ها را با حسین قریبی، دیپلمات و سفیر پیشین ایران در برزیل در میان گذاشتیم.

این مسئله موجب بالا گرفتن اختلافات سیاسی میان مردم و همچنین احزاب با گرایش‌های مختلف در کنگره شده است. همچنین شکاف‌ها بین ایالت‌ها با فرمانداران راست‌گرا و دولت چپ فدرال در برازیلیا بیشتر شده است.

در سطح دوجانبه، با اعلام دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده مبنی بر وضع تعرفه‌های سنگین ۵۰ درصدی آمریکا بر واردات از برزیل، جامعه و اقتصاد برزیل دچار شوک ناشی از این وضعیت شدند. البته موضوع آقای بولسونارو در تصمیم آقای ترامپ نقش اساسی داشت.

در سطح منطقه‌ای، مدیریت روابط با آرژانتین تحت ریاست خاویر میلی، روابط پرچالش با ونزوئلا، روابط با حوزه کشورهای آمازون و پرونده مرکوسور اصلی‌ترین دستورکارها بوده‌اند.

در سطح بین‌المللی، نقش‌آفرینی دولت لولا در ریاست

سارا معصومی

روزنامه‌نگار



برزیل در چند ماه گذشته از سال ۲۰۲۵ میلادی روزهای پر خبر و نسبتاً پرتنش را در حوزه سیاست داخلی و خارجی تجربه کرده است؛ از محاکمه «ژائیر بولسونارو» رئیس‌جمهور سابق تا وضع تعرفه‌های تجاری جدید توسط دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده. محاکمه ژائیر بولسونارو که به اتهام توطئه برای کودتا پس از شکست انتخابات ۲۰۲۲ محکوم شد، جامعه برزیل را عملاً دچار شکاف و به اصطلاح دویاره کرده است. دادگاه عالی فدرال (STF) در ۱۱ سپتامبر، با رای چهار قاضی از پنج نفر، بولسونارو را به ۲۷ سال و سه ماه زندان محکوم کرد. اتهامات او شامل تلاش برای سرنگونی دموکراسی، توطئه مسلحانه و حتی برنامه‌ریزی برای ترور «لولا داسیلوا» رئیس‌جمهور فعلی، بود. این محاکمه از اوایل ۲۰۲۵ آغاز شد؛ زمانی که تحقیقات پلیس فدرال اسنادی از جلسات بولسونارو با فرماندهان نظامی فاش کرد. بولسونارو ۷ ساله از ماه آگوست تحت حبس خانگی قرار گرفت. واکنش‌ها به این بازداشت شدید و البته متناقض بود، هواداران راست‌گرای او در اعتراض به این روند به خیابان آمدند و همزمان چپ‌گرایان برزیلی از این محاکمه با عنوان پیروزی دموکراسی

این روزها برزیل در دو حوزه سیاست داخلی و خارجی مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است. حوزه سیاست داخلی به شدت تحت تأثیر محاکمه و محکومیت «ژائیر بولسونارو» رئیس‌جمهور سابق، قرار دارد. هم‌زمان در حوزه سیاست خارجی نیز بحث وضع تعرفه‌های جدید از سوی دونالد ترامپ مطرح است. به عنوان سوال نخست می‌فرمائید که اوضاع

در این دو حوزه در برزیل چگونه پیش رفته است؟

برزیل در سال جاری، شرایط ویژه‌ای را تجربه کرده و می‌کند. در سطح داخلی، دوقطبی احزاب حاکم و بخشی از جریان اپوزیسیون راست که طرفداران رئیس‌جمهور سابق شناخته می‌شوند، موسوم به بولسوناریست‌ها تشدید شده است. به‌ویژه در هفته گذشته رای دیوان عالی صادر و آقای بولسونارو به جرم رهبری یک سازمان غیرقانونی برای انجام کودتا علیه دولت منتخب مردم پس از انتخابات سال ۲۰۲۲ به ۲۷ سال و سه ماه زندان محکوم شده است. همچنین حلقه نزدیکان وی هر کدام احکام سنگینی دریافت کرده‌اند.

